یادداشت

نقش زنان در حرفه حسابداری ایران

فرشته محمدی، کارشناس ارشد حسابرسی

ادامه در صفحه ۹

معتمدی، وزیر اسبق، به صدا و سیما و وزارت ارتباطات توصیه مصالحه کرد

حل مناقشه فرکانسی، بدون ورود قوا

گروه اقتصاد، مهفام سلیمان‌بیگی: اختلاف بین وزارت ارتباطات و سازمان صداوسیما درباره تخصیص باند ۷۰۰ و ۸۰۰ مگاهرتزی، سابقه‌ای چندین‌ساله دارد. درخواست این آزادسازی از سال‌های پیش به صداوسیما ارسال شده، اما تاکنون به نتیجه‌ای نرسیده است. دو نهاد بزرگ در ایران یکدیگر را متهم کرده‌اند که حق بیت‌المال خورده شده و نهادهای نظارتی همچنان ساکت‌اند. ماجرا از آنجا آغاز شد که در پی شیوع ویروس کرونا در کشور و تعطیلی کسب‌وکارها، دانشگاه‌ها و مدارس، میزان استفاده از اینترنت برای شرکت در کلاس‌های آموزشی آنلاین، دورکاری و همچنین سرگرمی افزایش یافته و در نهایت موجب کندشدن سرعت اینترنت شد. زمانی که حرف از کندی اینترنت می‌زنیم، یعنی ظرفیت فرکانسی برای توسعه بهبود کیفیت یا تمام‌شده یا کم است یا عده‌ای انحصار بخشی از آن را در دست دارند. دکل‌هایی که در سطح شهر دیده می‌شوند، تأمین‌کننده یا تقویت‌کننده فرکانس تلفن‌های همراه هستند؛ بنابراین برای بهبود و ارتقای کیفیت اینترنت باید تعداد این دکل‌ها بیشتر شود تا کمبود فرکانس را جبران کند. وقتی ترافیک افزایش پیدا کند، حتی احداث دکل‌ها و سایت‌های جدید نیز جواب‌گو نیست. زدن سایت زیاد باعث تداخل فرکانسی می‌شود. اگر بتوان یک یا دو باند فرکانسی جدید روی همان سایت‌های موجود ایجاد کرد، هم تداخل فرکانسی ایجاد نمی‌شود و هم ظرفیت سایت بالا می‌رود. از سوی دیگر، با توجه به اینکه تجهیزات احداث سایت جدید در ایران وارداتی است، احداث این سایت‌ها در شرایط تحریمی و وضعیت اقتصادی فعلی، ارزبری بالایی خواهد داشت. در پی این معضل، وزیر ارتباطات تأکید کرد شبکه موبایل در تهران به حداکثر میزان ظرفیت نامی خود رسیده است و تنها راه افزایش ظرفیت پهنای باند، اضافه‌کردن فرکانسی است که در اختیار صداوسیماست. لازم به توضیح است که اپراتورهای موبایل برای ارائه نسل چهارم تلفن‌های همراه از باندهای فرکانسی متفاوتی استفاده می‌کنند. طیف فرکانسی ۲۶۰۰ مگاهرتز و طیف ۸۰۰ مگاهرتز که برای تأمین فرکانس تلویزیون‌های زمینی استفاده می‌شد، با دیجیتال‌شدن کانال‌های تلویزیونی، در اختیار خدمات موبایل قرار گرفت و طیف فرکانسی ۷۰۰ مگاهرتز نیز که از آن در دنیا به‌عنوان باند طلا یاد می‌شود، ازجمله باندهای قابل استفاده برای اینترنت 4G یا نسل چهارم و حتی نسل پنجم تلفن‌های همراه است. در ایران نیز اپراتورها از باندهای فرکانسی ۱۸۰۰ مگاهرتز، ۲۶۰۰ مگاهرتز و ۳۵۰۰ مگاهرتز برای ارائه خدمات به مشترکان خود استفاده می‌کنند. باندهای ۷۰۰ و ۸۰۰ مگاهرتز برد زیادتری دارند و از این باندهای فرکانسی می‌توان برای توسعه شبکه‌های تلفن همراه در مناطق مختلف به‌ویژه در مناطق روستایی و کم‌جمعیت، استفاده شود. بر همین اساس، اتحادیه بین‌المللی مخابرات نیز از سال‌ها پیش به سازمان‌های تلویزیونی پیشنهاد کرد این فرکانس‌ها را آزاد کرده و در اختیار اپراتورهای موبایل بگذارند؛ زیرا با دیجیتالی‌شدن تلویزیون‌ها و استفاده از فناوری‌های ماهواره‌ای، دیگر این فرکانس‌ها در صداوسیما کاربردی ندارد.

جهرمی تضمین کرد در باندی دیگر نیازهای آینده صداوسیما را تأمین می‌کنند و حتی پیشنهاد داد نصف درآمد حاصل از واگذاری فرکانس‌ها به اپراتورها هم برای توسعه شبکه دیجیتال به صداوسیما داده شود. پیشنهاد جهرمی اگرچه به نظر بسیار وسوسه‌کننده می‌آمد، مورد استقبال صداوسیما واقع نشد. علی‌عسگری، رئیس سازمان صداوسیما، با اینکه در ستاد ملی مبارزه با ویروس کرونا به‌عنوان یکی از اعضای اصلی همواره حضور دارد و شنوای مشکلات عنوان‌شده از سوی وزیر ارتباطات درباره کندی اینترنت است، هنوز به اظهارات او واکنشی نشان نداده است. بااین‌حال، پاسخ محمدحسین رنجبران، مدیر روابط‌عمومی سازمان صداوسیما را می‌توان واکنش او قلمداد کرد. رنجبران در توییتر خود پیشنهاد وزارت ارتباطات را خلاف قانونی تلقی کرد که مجلس هم زیر بار آن نرفته است. این گفته او به پیشنهاد جهرمی برای مطرح‌کردن موضوع فرکانس‌ها در بودجه ۹۹ برمی‌گردد که مجلس آن را رد کرده است. همچنین رضا علیدادی، معاون توسعه و فناوری صداوسیما، پاسخی صریح به اظهارات وزارت ارتباطات داده؛ او طرح موضوع فرکانس‌های صداوسیما را با عنوان علت کم‌بودن سرعت اینترنت کشور، نشانه عدم صداقت و سیاسی‌کاری دانسته و گفته با واگذاری فرکانس‌های سازمان به تلفن همراه، دسترسی اینترنت کاربران افزایش چندانی نخواهد یافت؛ زیرا سال‌ها طول خواهد کشید تا تجهیزات لازم برای بهره‌برداری از آن خریداری و راه‌اندازی شود و هزینه زیادی هم خواهد داشت. معاون توسعه و فناوری صداوسیما در بخشی دیگر از صحبت‌های خود تأکید کرده است که صداوسیما برای ادامه کار خود و بالابردن کیفیت شبکه‌ها، به این فضا و بیش از آن نیازمند است و به واقع درخواست وزارت ارتباطات به معنای حذف بخشی از خدماتی است که به صورت رایگان در اختیار مردم قرار داده می‌شود. این اظهارات او در حالی است که رئیس فعلی صداوسیما و معاون فنی وقت این سازمان، سال ۲۰۰۶ در ژنو (کنفرانس بین‌المللی اتحادیه مخابرات جهانی وابسته به سازمان ملل متحد) برای تخلیه باندهای فرکانسی ۷۰۰ و ۸۰۰ مگاهرتزی و در اختیار قراردادن این باندها برای توسعه شبکه تلفن همراه متعهد شده بودند. قرار بر این بود که با گذار از آنالوگ به دیجیتال، چون این فرکانس‌ها برای صداوسیما بلااستفاده باقی می‌ماند، در نهایت تا سال ۲۰۱۵ واگذار شوند. اخیرا نسترن محسنی، معاون رگولاتوری به اظهارات معاون توسعه و فناوری صداوسیما مبنی‌بر اینکه با واگذاری فرکانس‌های سازمان به تلفن همراه، دسترسی اینترنت کاربران افزایش چندانی نخواهد یافت، واکنش نشان داده و با کنایه چند سؤال از صداوسیما مطرح کرده است. او در این سؤالات امضای صداوسیما پای سند ژنو را یادآور شده و همچنین به چند صد میلیون دلاری که صداوسیما به واسطه مجلس شورای اسلامی از صندوق ذخیره ارزی یا صندوق توسعه ملی برای توسعه فرستنده‌های دیجیتال و خالی‌کردن باند فرکانسی مزبور دریافت کرده، اشاره کرده است. محسنی سؤال کرده: اگر به این باند فرکانسی به گفته خودتان نیاز دارید، چرا در مزایده کذایی شرکت‌های IPTV، این فرکانس‌ها را به حراج گذاشتید؟ آن‌طور که او می‌گوید؛ جهرمی از ابتدای سال دو بار از طریق دوربین صداوسیما دلایل کندی اینترنت را تشریح کرده، اما مغرضانه توسط صداوسیما پخش نشده است.

در راستای همین اختلافات چندی پیش ۱۲۸نفر از اساتید دانشگاه‌های کشور با صدور نامه‌ای خطاب به رئیس سازمان صداوسیما، با تأکید بر اینکه استفاده بهینه از منابع طیف فرکانس به عنوان منابع ملی نقش کلیدی در گسترش زیرساخت‌های ارتباطی دارد خواستار آزادسازی باندهای ۷۰۰ و ۸۰۰ مگاهرتز در راستای کمک به منافع عمومی کشور شدند. یکی از امضاکنندگان این نامه سیداحمد معتمدی، رئیس دانشگاه صنعتی امیرکبیر، مشاور وزیر ارتباطات در امور علمی و پژوهشی و عضو شورای راهبری این وزارت در دولت یازدهم و وزیر اسبق ارتباطات و فناوری اطلاعات است. اکنون او در گفت‌وگوی خود با «شرق» از علت اهمیت فرکانس‌های ۷۰۰ و ۸۰۰ مگاهرتز می‌گوید و پیشنهاد می‌کند بدون ورود مجلس یا قوه قضائیه به این موضوع، دو نهاد مسئله را با تفاهم فیصله دهند. راه‌حل پیشنهادی او این است که ابتدا نیاز صداوسیما کاملا برطرف شود زیرا گفته می‌شود اکنون دو درصد این پهنای باند توسط صداوسیما مورد استفاده است. او تأکید می‌کند که بهتر است حتی نیازهای صداوسیما تا ۲۰ سال آینده هم پیش‌بینی و تأمین شود اما مابقی باید در اختیار دولت باشد، به شورای تنظیم مقررات بیاید و مطابق با مقررات و قوانین به اپراتورها واگذار شود؛ حالا چه اپراتورهای موبایل چه IT یا IOT یا هر چیز دیگری که در آینده خواهد آمد چراکه نسل پنجم که در راه است به پهنای باند بیشتری نیاز دارد. آن‌طور که معتمدی می‌گوید در صورتی که صدا وسیما زیر بار واگذاری فرکانس‌ها نرود هزینه تهیه تجهیزات جایگزین برای اپراتورها تا ۱۰ برابر بالا می‌رود و طبیعتا به دنبال آن هزینه اینترنت برای مردم هم ۱۰ برابر خواهد شد.

عکس: سهند تاکی، شرق

درباره باندهای فرکانسی و مدیریت آنان چه قوانینی مرجعی وجود دارد تا در چنین مواقعی به آن رجوع کنیم؟

باند فرکانسی در هر کشوری جزء منابع ملی محسوب می‌شود و مثل معادن جزء ثروت یک کشور است به همین دلیل در تقسیم و توزیع آن برای خدمات متفاوت قوانین بسیار محکمی در کشورها وجود دارد. سازمان جهانی ITU هم مقرراتی در این‌باره دارد که لازم‌الاجراست زیرا بحث فرکانس در مرزها و تجهیزات مختلف باید قواعدی را داشته باشد تا تداخل فرکانسی رخ ندهد. ممکن است تجهیزات برای تلفن بیسیم یا موبایل استفاده شود که اگر استانداردها را رعایت نکنند، قطعا امکان استفاده از فضای فرکانسی را از بقیه می‌گیرند. از یک‌سو قواعد بین‌المللی لازم‌الاجرا داریم از سوی دیگر در کشور هم دولت‌ها و مقامات در قالب رگولاتوری یا همان سازمان تنظیم مقررات و شورای تنظیم مقررات کنترل‌های لازم را انجام می‌دهند. سازمان‌های کنترلگر داخلی هر کشور معمولا یا زیر نظر رئیس دولت‌ها یا زیر نظر وزارت ارتباطات هستند. اینها با رعایت مقررات مذکور تصمیم می‌گیرند که فرکانس چطور توزیع شود. در کشور ما هم این اتفاق افتاده است.

در حال حاضر فقط شیوع کرونا موجب شده بحث استفاده بهینه از فضای فرکانسی تا این اندازه لازم به نظر برسد؟

تا زمانی که بنده مسئولیت وزارت ارتباطات را داشتم خیلی از فضای فرکانسی کشور استفاده نمی‌شد زیرا هنوز تلفن همراه همه‌گیر نشده و نسل سه و چهار وارد بازار نشده بودند. بیشتر نسل دو و دوونیم استفاده می‌شد و به تازگی نسل سوم آمده بود، تجهیزات مربوط به IT هنوز نیامده بود، IOT هم که جدید است و آن زمان وجود نداشت. آن زمان دوران گذار از باسیم به بیسیم بود و فضای فرکانسی ما چندان اشغال نبود پس ما مشکلی از این بابت نداشتیم البته آن زمان همراه اول که به تازگی شروع به کار کرده بود مقداری بی‌حساب و کتاب باندهای پایینی را اشغال کرده بود اما بعد آن را نظم بخشیدیم و آماده شدیم برای ورود اپراتور دوم. پیش از آن هم برای تالیا فرکانس را نظم بخشیدیم چون آن هم در دل همراه اول بود. برای اپراتور دوم یا همان ایرانسل مجبور شدیم باند هزارو ۸۰۰ را که به تازگی ITU معرفی کرده بود، برای استفاده تلفن همراه مورد استفاده قرار دهیم. خلاصه هر چه جلوتر آمدیم به دلیل پیشرفت تکنولوژی به ویژه تکنولوژی ارتباطات بیسیم در شهرها مسئله استفاده بهینه از فضای فرکانسی بیشتر مطرح شد.

اهمیت فرکانس ۷۰۰ و ۸۰۰ در چیست؟ چرا سایر فرکانس‌ها قادر نیستند جای آن را بگیرند؟

اگر چه امروز باندهای بالاتر معرفی شده و باز هم جا دارد که از این فرکانس‌های بالاتر استفاده شوند اما یک نکته کلیدی وجود دارد و آن اینکه هر چه فرکانسی که مورد استفاده ماست بالاتر برود یک‌سری معایب و یک‌سری محاسن دارد. فرکانس‌های بالا چون در کریر بالاتری است، می‌تواند حجم اطلاعات بالاتری را حمل کند کما اینکه در نسل سه و چهار فرکانس‌های بالاتر چون باید تصویر و ویدئو و... را عبور بدهند، نیاز به پهنای باند بیشتری دارند و از این جهت مناسب‌تر هستند اما اشکالش این است که برد نفوذشان کمتر می‌شود و مشکلاتی را ایجاد می‌کند که در مجموع سرمایه‌گذاری را بسیار پرهزینه می‌کند. هرچه فرکانس بالاتر می‌رود، سرمایه‌گذاری بیشتر و گاه چند برابر می‌شود و این نیست که فقط ۱۰ یا ۲۰ درصد افزایش پیدا کند. بنابراین همه اپراتورها و سرویس‌دهنده‌ها علاقه دارند از سرویس‌های پایین‌تر استفاده کنند.

> **راه‌حل این است که ابتدا نیاز صداوسیما کاملا برطرف شود. دولت تضمین کند تا در آینده هم نیاز صداوسیما را برطرف کند. مابقی باید در اختیار دولت باشد، به شورای تنظیم مقررات بیاید و مطابق با مقررات و قوانین به اپراتورها واگذار شود؛ حالا چه اپراتورهای موبایل چه IT یا IOT یا هر چیز دیگری که در آینده خواهد آمد**

بهترین فرکانس‌ها هم فرکانس‌های بین ۶۰۰ تا ۹۰۰ است. ۹۰۰ در اختیار خود مخابرات است ولی ۶۰۰، ۷۰۰ و ۸۰۰ عمدتا و از گذشته در اختیار صداوسیما بوده است. اما در سال‌های اخیر هم صدا و هم تصویر در ارتباطات تلویزیونی و رادیویی به خاطر دیجیتال‌شدن به پهنای باند کمتری نیاز دارد. قبلا که آنالوگ بود، پهنای باند وسیع‌تری می‌خواست و حالا پهنای باند کمتر شده بنابراین باندهای پایین خالی شده و اکنون در کشور بلااستفاده مانده است. در سایر کشورها مطابق مقرراتی که دارند، همه این امور در دست دولت است و آنها تصمیم گرفتند باندهای خالی‌شده را در اختیار دولت قرار دهند و این فرکانس‌ها در اختیار اپراتورهای موبایل و اپراتورهای IT و IOT و... قرار گرفته و بخشی هم باند آزاد است و در اختیار مردم و سایر مصرف‌کنندگان قرار گرفته است؛ به هر حال طبق پروتکلی از این باندها استفاده شده است. اولا باندهای پایین ارزش بالایی دارند، دوما در تمام دنیا فرستنده و گیرنده باندهای پایین‌تر که در اختیار رادیو و تلویزیون بوده به خاطر دیجیتالی‌شدن به تدریج خالی شده است. پس از یک طرف باند خالی داریم و از طرف دیگر این باندهای خالی بسیار باارزش هستند. برخی اساتید مکاتبه‌ای انجام دادند که خود من هم از امضاکنندگانش بودم، مدت‌هاست بحث بین سازمان صداوسیما و وزارت ارتباطات و سازمان رگولاتوری همین است که از این فرکانس چطور باید استفاده شود. از یک سو صداوسیما این فرکانس‌ها را متعلق به خود می‌داند زیرا پیش‌تر از آن استفاده می‌کرده اما از طرف دیگر اکنون این باند خالی مانده و باید به شکل بهینه از آن استفاده شود و توزیع این باند هم طبق مقررات با سازمان و شورای تنظیم مقررات است.

نقش این ماجرا در زندگی و روزمرگی مردم چطور احساس خواهد شد؟ تا چه اندازه‌ای سرعت اینترنت و آنتن‌دهی و... امروز مردم از این مسئله متضرر می‌شود؟

اثر آن در کوتاه‌مدت نیست اما مطمئنا در درازمدت یکی از پارامترهای مهم در ارائه خدمات بهتر و سرویس‌های جدید استفاده خوب از باند فرکانسی است. اگر از باندی فرکانسی درست استفاده نشود یا اصلا استفاده نشود، بدون شک در کمیت و کیفیت و در سرویس‌های آینده اثرگذار خواهد بود. این‌گونه نیست که بگوییم اثر آن لحظه‌ای است. یک اثر میان‌مدت دارد و سه تا چهار سال بعد شاهد این آثار خواهیم بود. برای برخی خدمات پهنای باند بیشتری نیاز است؛ مثلا ممکن است شما شاهد باشید که در منزل ارتباطات کندی دارید، البته این فرکانس‌ها تنها عامل اثرگذار نیستند و تجهیزات خود اپراتورها و پهنای باندی که خود مشترک می‌گیرد و هزینه‌ای که می‌کند هم شرط است اما یکی از شروط مهم برای ارائه خدمات به مشترک قطعا استفاده بهینه از پهنای باند فرکانسی کشور است.

آن‌طور که شما می‌فرمایید، تأثیر این ماجرا به حال حاضر برنمی‌گردد، یعنی ترافیک اینترنتی و سرعت پایین اینترنت فعلی ما به خاطر این مسئله نیست؟

الان نه. چون پهنای باندی که ما به اپراتورها دادیم مشخص است و هرکدام پهنای باند مربوط به خودشان را دارند؛ البته علاقه‌مند هستند که حتما از باندهای پایین هم استفاده کنند. اگر امروز را با ۱۰ سال پیش مقایسه کنید، احتمالا میانگین استفاده از اینترنت ده‌ها برابر بالا رفته است. همین نسل چهار که از چهار، پنج سال پیش آغاز و وارد سرویس‌دهی شد، یکباره تحول بزرگی را در استفاده از خدمات IT به وجود آورد. این خدمات متوقف نمی‌شود و دائما و به سرعت در حال رشد است. تا چند سال پیش فقط امکان ارسال تصاویر ثابت وجود داشت یا ابتدا که تلفن همراه آمده بود، فقط صوت را می‌شد ارسال کرد، رفته رفته ویدئو آمد و... این کار بزرگ و قابل تقدیری است. در همین بحث کرونا استفاده از فضای مجازی به‌شدت افزایش یافت و اگر این پیش‌بینی‌ها نشده بود، کرونا قادر بود مشکلی اساسی ایجاد کند. اکنون ما تمام دروس را به صورت مجازی تدریس می‌کنیم و بیش از ۹۰ درصد اساتید در دانشگاه‌های ما دروس را به این شکل ارائه می‌کنند. حالا تصور کنید اگر این پهنای باند در اختیار اپراتورها قرار نمی‌گرفت، ما امروز مجبور بودیم دانشگاه را تعطیل کنیم. اکنون در کره مدارس را مجازی می‌کنند و هیچ مشکلی هم ندارند اما ما وقتی خواستیم مدارس را مجازی کنیم، به مشکل خوردیم. علت این است که ما به اندازه کره سرمایه‌گذاری در این قسمت انجام ندادیم. اگر ما بخواهیم بازهم شاخص‌هایمان را بالا ببریم بدون شک نیاز به این پهنای باندهای بلااستفاده داریم. اگر مصرف در حالت عادی باقی بماند و به معضلاتی مثل کرونا برنخوریم و نظام آموزشی و بهداشتی ما ثابت بماند، نیازی نیست. اما امروز همه‌چیز به سمتی پیش می‌رود که حتی عمل جراحی از راه دور انجام شود. برای چنین خدماتی قطعا هم به فیبر نوری بهتر و شبکه‌های سیمی و کابلی بهتر و هم به فضای فرکانسی بیشتر نیاز داریم وگرنه صددرصد به مشکل برمی‌خوریم

صداوسیما در برابر واگذاری فرکانس‌ها مقاومت می‌کند و حتی روابط عمومی آن اقدام وزارت ارتباطات برای اخذ این فرکانس‌ها را یک «تخلف قانونی» خوانده است. فکر می‌کنید صداوسیما چرا این امر را تخلف می‌داند و علت مقاومتش چیست؟

در زمان وزارت بنده در سال‌های ۸۳ و ۸۴ هم چیزی شبیه این مطرح بود. اکنون یک‌طرف صداوسیما را داریم و طرف دیگر ارگان‌های نظامی که از این باند استفاده می‌کنند. من به خاطر دارم زمانی که ما می‌خواستیم ۱۸۰۰ را استفاده کنیم، نیروهای مسلح مدعی شدند ۱۸۰۰ برای آنهاست. ما گفتیم اگر برای شماست، خب قرارداد یا مجوز مربوط به آن را به ما ارائه کنید؛ چون چنین چیزی نبوده و فقط به این خاطر که از آن باند استفاده نمی‌شده، اینها از آن باند استفاده کردند. بعد از آن هم نشستیم و باهم صحبت کردیم. از آنان خواستیم مشکلشان را مطرح کنند؛ چون بالاخره ما مکلف بودیم نیاز نیروهای مسلح را برطرف کنیم. اکنون درباره صداوسیما هم همین است. به نظر من اگر رادیو و تلویزیون کشوری نیازی به پهنای باند داشته باشد، نمی‌توان گفت آن را در اختیار قرار نمی‌دهیم، حتما یکی از اولویت‌های دولت ما باید صداوسیما باشد؛ چون خدمات عمومی ارائه می‌دهد و حتی اگر خصوصی هم باشد، بالاخره مردم از آن استفاده می‌کنند.

سؤالم این است که صداوسیما بر چه اساسی خود را محق می‌داند؟

دو بحث وجود دارد؛ یک بحث حقوقی و یک بحث عرفی. به لحاظ حقوقی، تصمیم‌گیری درباره فرکانس با دولت است که قانون هم داریم؛ قانون سال ۸۳ که در زمان ما تصویب شد. پیش از آن هم البته قوانینی داشتیم. طبق قوانین، وزارت ارتباطات به نمایندگی از دولت این امر را بر عهده دارد. شورای تنظیم مقررات نیز تنها شامل اعضای وزارت نیست و فقط دو یا سه نفر از وزارتخانه در آن حضور دارند و بقیه از دستگاه‌های مختلف هستند. دو نفر شخصیت حقیقی را هم خود دولت برای عضویت در شورا تصویب می‌کند. بنابراین شورا ملی است و همه جوانب را می‌سنجد. اگر شورای تنظیم مقررات یا در گذشته که شورایی وجود نداشته دولت، در قراردادی این فرکانس‌ها را به صداوسیما یا هر بخش خصوصی دیگری داده باشد، باید طبق همان عمل شود؛ مثلا وقتی ایرانسل به‌عنوان اپراتور دوم آمد، به او امتیازی ۱۵ساله دادیم و بعد از ۱۵سال می‌توانیم آن را از ایرانسل بگیریم و اپراتور دیگری را جایگزین او کنیم. بنابراین فرکانس‌ها و مجوزهایی که داده می‌شود، زمان دارند. اگر صداوسیما سندی دارد، بدون شک مبنا همان قرارداد یا تفاهم‌نامه واگذاری است و مطابق با آن باید عمل شود؛ حتی اگر این فرکانس‌ها به شکل نامحدود به صداوسیما واگذار شده باشد که من فکر می‌کنم چنین چیزی نیست. بنابراین به لحاظ حقوقی نمی‌شود صداوسیما یا هر جای دیگری مدعی باشد؛ اما مثلا همان‌طور که اشاره کردم، ایرانسل چون سند دارد تا همان ۱۵ سال دولت قادر نیست فرکانسش را از او بگیرد؛ مگر اینکه تفاهم کنند ایرانسل خسارتی بگیرد. به لحاظ عرفی نیز همان‌طور که اشاره کردم، رگولاتوری مکلف است نیاز بخش‌های مهم کشور را برطرف کند. اصلا قابل تصور نیست که ما مثلا صداوسیما در کشور نداشته باشیم، پس حتما باید نیازش برطرف شود. دستگاه‌های امنیتی و... هم همین‌طور. درباره هر بخش دیگری نیز دولت مکلف است طبق سندی که آنها در دست دارند، عمل کند. پس نمی‌شود گفت هر زمان بخواهیم سراغ صداوسیما می‌رویم و فرکانس را از او می‌گیریم، او هم نمی‌تواند مقاومت کند. این ممکن نیست؛ چون صداوسیما در قانون اساسی نقش مهمی دارد و دولت در برابر آن مکلف است.

اگر صداوسیما زیر بار واگذاری فرکانس‌ها نرود، چه خواهد شد؟

در این حالت، وقتی بخواهد نسل پنجم بیاید، دیگر فرکانس‌های پایین‌تر پر شده و باید فرکانس بالای سه گیگ به اپراتوری داده شود که می‌خواهد نسل جدید را بیاورد؛ چون هزینه آن بالا رفته و گران برایشان درمی‌آید. طبیعتا برای مردم هم گران‌تر درمی‌آید و ضررکننده نهایی مردم هستند.

راه‌حل پیشنهادی شما چیست؟

من فکر می‌کنم اگر این دو نکته را کنار هم بگذاریم، راه‌حل این است که ابتدا نیاز صداوسیما کاملا برطرف شود. گفته می‌شود اکنون دو درصد این پهنای باند از سوی صداوسیما مصرف می‌شود. ITU تا ۲۰ سال دیگر را هم پیش‌بینی می‌کند، پس هر مقداری را که پیش‌بینی می‌شود، دولت تضمین کند تا در آینده در اختیار صداوسیما قرار دهد. مابقی باید در اختیار دولت باشد، به شورای تنظیم مقررات بیاید و مطابق با مقررات و قوانین به اپراتورها واگذار شود؛ حالا چه اپراتورهای موبایل چه IT یا IOT یا هر چیز دیگری که در آینده خواهد آمد. نسل پنجم که در راه است، به پهنای باند بیشتری نیاز دارد. اگر درست از منابع استفاده شود، سود آن برای مردم خواهد بود. تفاهم‌نامه‌ای بین دولت و صداوسیما منعقد شود. دولت بودجه صداوسیما را تأمین می‌کند و درآمدی هم اگر وجود داشته باشد، برای دولت است؛ پس چندان فرقی نمی‌کند و بهتر است سازمان تنظیم مقررات قراردادی را تنظیم کند و بر اساس آن تضمین کند که برای حال حاضر و آینده، تا جایی که قابل پیش‌بینی است، نیازهای صداوسیما را برطرف می‌کند. مابقی برای استفاده بهینه در اختیار دولت باشد.

آقای جهرمی حاضر شدند علاوه بر تأمین نیاز صداوسیما، نیمی از درآمد اپراتورها از طریق این فرکانس‌ها را هم به صداوسیما بدهند، اما باز هم صداوسیما زیر بار نمی‌رود. اکنون این شبهه وجود دارد که صداوسیما در حال استفاده از سودی بیش از این است که چنین پیشنهادی را رد کرده است. شما دراین‌باره چه فکر می‌کنید؟

من در جریان مذاکرات نیستم اما پیشنهاد آقای جهرمی مبنی بر دادن سهم به صداوسیما بسیار خوب است و البته جای دوری هم نمی‌رود چون اول و آخر بودجه و صداوسیما را دولت می‌دهد و این کار از آن جیب به این جیب است. من گمان نمی‌کنم صداوسیما بتواند استفاده دیگری از این فرکانس‌ها ببرد چون فضای فرکانسی را سازمان تأمین مقررات دائما رصد می‌کند و اگر استفاده دیگری شود متوجه خواهد شد چون مجوزها را خود وزارت ارتباطات می‌دهد و هرکسی هم بخواهد از فرکانسی استفاده کند باید مجوز بگیرد. من گمان نمی‌کنم صداوسیما الان از این فرکانس استفاده کند. آنچه از صحبت‌ها برمی‌آید این است که چنین منبع ملی‌ای اکنون بلااستفاده مانده است و این برای کشور زیبنده نیست

اگر واقعا این فرکانس‌ها برای صداوسیما بی‌استفاده و سود باشد به نظر شما عملکرد صداوسیما منطقی است؟ سرمایه ملی را عمدا بلااستفاده نگه دارد، برای خودش دردسر و هجمه رسانه‌ای بخرد و علیه خودش شبهاتی هم ایجاد کند؟

آنچه منطقی نیست فقط عدم استفاده درست از منابع ملی است. فرض کنید صداوسیما قراردادی را به عنوان سندی حقوقی بیاورد و نشان دهد که این پهنای باند تا ابد متعلق به صداوسیماست و اگر کسی بخواهد باند را از او بگیرد باید هزینه آن را پرداخت کند. البته که من گمان نمی‌کنم چنین چیزی وجود داشته باشد چون زمان وزارت من هم به آن اشاره‌ای نشد. به هر حال اگر این سند را داشته باشد خب وضع فرق می‌کند اما اگر نداشته باشد این باند متعلق به دولت است و تماما باید به دولت تعلق بگیرد. باید پای صحبت هر دو طرف نشست. من پای صحبت صداوسیما نبوده‌ام اما اعتقاد دارم این مسئله باید هر چه زودتر حل شود چراکه دو نهاد مهم در حکومت درگیر آن هستند. باید هرچه سریع‌تر تفاهم صورت بگیرد. پیشنهاد آقای جهرمی به نظرم بسیار عالی است و من بشخصه اگر به جای مدیریت صداوسیما بودم به‌سرعت چنین پیشنهادی را می‌پذیرفتم. امیدوارم مشکل با تفاهم حل شود همان‌طور که زمان ما مشکلمان با نیروهای مسلح طی جلسات متعدد حل شد. قرار شد نیاز آنها برطرف شود، همه چیز مکتوب و حتی ذکر شد که اگر شرایط جنگی ایجاد شود بیش از این هم در اختیارشان قرار می‌دهیم، در آخر مسئله حل شد.

سال ۲۰۰۶ توافق‌نامه ژنو توسط صد کشور امضا شد که یکی از آنها هم ایران بود. بر اساس این تفاهم‌نامه مقرر شد با جهش از آنالوگ به دیجیتال فرکانس‌های مورد استفاده نهایتا تا سال ۲۰۱۵ در اختیار اپراتورها قرار گیرد. اکنون پنج سال هم از پایان زمان آن می‌گذرد و صداوسیما با اینکه از امضاکنندگان بوده است زیر بار واگذاری نمی‌رود. از طریق چنین تفاهم‌نامه‌ای چطور و تا چه اندازه می‌توان صداوسیما را به این کار واداشت؟ چقدر می‌شود به آن امضا استناد کرد؟

این تفاهم‌نامه مهم است چون در ITU به امضا رسیده و صداوسیما هم مرتبط با ITU است و در کمیسیون‌های ذی‌ربط ITU عضویت دارد. این خود بحثی حقوقی است. من فکر می‌کنم گذشته از بحث حقوقی و عرفی به ساختار حکومت هر کشوری هم باید مراجعه کرد. هر کشوری ساختار خاص خودش را دارد. معمولا در کشورهای غربی همه‌چیز مستند است، همه چیز از ابتدا با سند و مجوز و قراردادهای مشخص پیش می‌رود و کوچک‌ترین جزئیات در آن ثبت می‌شود بنابراین هرگز اختلافی از این بابت پیش نمی‌آید اگر هم پیش بیاید دادگاه بی‌طرفی وجود دارد که با مراجعه به آن به استناد اسناد موجود حکم داده می‌شود. در کشور ما این‌طور نیست. مجلس ما این قدرت را دارد که همین الان قانونی بگذارد و بگوید کل باند در اختیار صداوسیماست و کسی هم حق گرفتن آن را ندارد در آن صورت دولت هیچ کاری قادر نیست انجام دهد یا برعکس قانونی تصویب کند که طی آن صداوسیما مکلف است باند را تحویل دولت دهد در آن حالت هم صداوسیما کاری نمی‌تواند بکند منتها فرضا یک زمان مجلس ششم سر کار است و ارتباطش با صداوسیما چندان خوب نیست، زمانی مجلس هفتم روی کار می‌آید و برعکس ارتباط خوبی دارد. در کشور ما روابط شرط است در حالی که معمولا در کشورهای غربی بحث‌های فنی را سیاسی نمی‌کنند. به همین دلیل هم می‌گویم نیاز به تفاهم است. خصوصا الان که مجلس در حال تغییر است

در حال حاضر صداوسیما چه مقدار از این پهنای باند استفاده می‌کند؟ برخی به دو درصد اشاره می‌کنند برخی دیگر تا ۱۵ درصد را مورد استفاده می‌خوانند.

دقیقی نمی‌دانم میزان استفاده آن چه مقدار است. اما در جایی از قول سازمان تنظیم مقررات خواندم دو درصد برای کانال‌های صداوسیما استفاده می‌شود. صداوسیما تعدادی کانال تلویزیونی و تعدادی کانال رادیویی و ماهواره‌ای دارد. حساب ماهواره‌ای جداست و در این باندها نیست. به خاطر پیشرفت تکنولوژی هر چه جلوتر برویم پهنای باند کمتری را نیاز دارد. در عین حال روشن است و استفاده دیگری نمی‌تواند انجام دهد مگر اینکه آن را به اپراتورها بفروشد که چنین اجازه‌ای را ندارد. اپراتورها هم اجازه ندارند بی‌اذن شورای تنظیم مقررات از باند دیگری جز آنچه به آنها داده شده استفاده کنند، بنابراین یک بن‌بست است.

در ماجرای این اختلاف، یک طرف ماجرا از رانت عظیمی می‌گوید که به شرکت‌های خاص داده شده یا آن نهاد را متهم کرده که فرکانس‌های متعلق به بیت‌المال را تحویل نمی‌دهد. اگر در هر کجای دنیا چنین مسائلی در یک روزنامه محلی طرح شده بود، تاکنون نهادهای بازرسی تمام بازرسان خود را برای پیگیری مستقر کرده بودند، اما در ایران خبری نیست. فکر می‌کنید علت سکوت مقامات نظارتی ما در شرایطی که دو ارگان مهم به چنین اختلافی خورده‌اند و گاهی یکدیگر را شدیدا متهم می‌کنند، چیست؟

به نظر من بهتر است ساکت باشند، چون ورود این نهادها مشکل را بیشتر می‌کند. قوه قضائیه سکوت بجایی کرده، چون تا زمانی که شکایتی به قوه قضائیه نشده، نباید ورود کند. ابتدا باید یا صداوسیما یا وزارت ارتباطات شکایت کنند تا ورود صورت بگیرد. به نظر من طبق قانون نیازی به قوه قضائیه نیست و شورای تنظیم مقررات می‌توانند تصمیم‌گیری کنند، اما درعین‌حال این حق برای هرکسی هست که شکایت کند. من ورود قوه قضائیه را پیشنهاد نمی‌کنم.

در این ماجرا چقدر می‌شود روی مجلس یازدهم حساب کرد. اساسا در چنین ماجرایی چقدر ظرفیت برای مداخله دارد؟

ما از قانون حرف می‌زنیم. آخرین قانون هم سال ۸۳ و در زمان وزارت بنده تصویب شده و تکلیف رگولاتوری را مشخص کرده است. قبلا هم قوانینی در این راستا بوده، اما سال ۸۳ کامل شد و مبنا الان قانون شورای تنظیم مقررات و سازمان تنظیم مقررات است. این قانون را مجلس تصویب کرده و مجلس هم می‌تواند تغییرش بدهد، بنابراین یک پای ماجرا می‌تواند مجلس باشد. البته به نظر ما مجلس اگر وارد شود، به نفع صداوسیما رأی خواهد داد.

چرا این‌طور فکر می‌کنید؟

ترکیب مجلس آینده این را می‌گوید. البته من امیدوارم این اتفاق نیفتد. نباید به جایی برسد که پای مجلس و قوه قضائیه به ماجرا باز شود. بهتر است تفاهم کنند. پیشنهاد آقای جهرمی بسیار عالی است. خود من بشخصه اگر جای ایشان بودم، نهایتا ۲۰ درصد سهم به صداوسیما می‌دادم. زمانی که ما با نیروهای مسلح به مشکل خوردیم. زمانی که قانون به مجلس رفت، شورای نگهبان بندهای مربوط به رگولاتوری را نگه داشت، صداوسیما به مدیریت آقای لاریجانی مدعی بود IT مال صداوسیماست، چون به تازگی به کشور آمده بود. ما به سختی توانستیم ثابت کنیم که در همه‌جای دنیا IT در اختیار وزارت ارتباطات است. طبیعتا در آن شرایط هر دستگاهی سعی دارد امکانات را به طرف خودش بکشد، اما همه‌چیز با تفاهم حل شد. مدیریت در جمهوری اسلامی به دلیل تنوع دستگاه‌های تصمیم‌گیری بسیار سخت است. در آمریکا در چهار سال که رئیس‌جمهور هست، تمام اختیارات را دارد، اما در کشور ما بحث قدرت تصمیم‌گیری بسیار توزیع شده‌اند و این کار را مشکل می‌کند. البته صداوسیما به جایی نخواهد رسید. دولت ابزارهای زیادی دارد که بتواند جلوی صداوسیما را بگیرد. فرض کنید که اصلا از مجلس قانونی بگیرد مبنی‌بر اینکه کل فضای فرکانسی متعلق به اوست. دولت هم می‌تواند بودجه صداوسیما را ندهد، حتی اگر مجلس تصویب کند، ادعا می‌کند که بودجه کم آورده و نمی‌دهد. از این ابزارها زیاد است، البته شأن دستگاه‌ها این نیست که این‌طور با هم برخورد کنند. شأن آنها این است که با هم به تفاهم برسند، بی‌آنکه حتی رسانه‌ای شود، حتی به این مصاحبه هم نباید ختم می‌شد.

آقای جهرمی گفتند تنها راه ما برای بهبود کیفیت اینترنت همین فرکانس‌هاست. واقعا این تنها راه ماست؟

ایشان درست می‌گویند. در بحث تلفن ثابت و همراه ما تقریبا به اشباع رسیده‌ایم و پهنای باند دیگری را برای صوت لازم نداریم. آنچه در حال توسعه است بخش IT است. اگر باندی را به اپراتورها بدهیم، آنها بیشتر برای IT استفاده خواهند کرد نه تلفن و صوت. ضمن اینکه غیر از اپراتورهای همراه، اپراتورهای ثابت هم هستند که فرکانس لازم دارند. اکنون پیش‌بینی می‌شود IOT درصد بالای ۲۰ درصد اینترنت اشیا در آینده داشته باشد، بنابراین آن هم این سرویس‌ها را لازم دارد، اگرچه فعلا پهنای باند زیادی لازم ندارد، اما در آینده ممکن است این اتفاقات بیفتد. در IOT اکنون انتقال تصویر و صوت مطرح نیست و بیشتر اطلاعات مربوط به سنسورها منتقل می‌شود، اما با پیشرفت تکنولوژی ممکن است لازم شود و به پهنای باند نیاز داریم.

> **باندهای ۹۰۰،۱۸۰۰ و ۲۶۰۰ تمام شده و از این مقدار به بالا موجود است که بسیار پرهزینه است. عدد دقیقی ندارم، اما احتمالا تا ۱۰ برابر هزینه تجهیزات بالا برود و وقتی قیمت تجهیزات بالا برود، هر نوع از اپراتوری که باشد و بخواهد این سرویس را به مردم بدهد، بسته‌های اینترنتی را ۱۰ برابر گران‌تر حساب می‌کند**

اگر صداوسیما به هر دلیلی این فرکانس‌ها را در اختیار صداوسیما قرار ندهد و مجبور به استفاده از سایر تجهیزات شوند، فکر می‌کنید چقدر می‌تواند هزینه‌بر باشد و در نهایت چقدر فشار برای مردم ایجاد کند؟

باندهای ۹۰۰،۱۸۰۰ و ۲۶۰۰ تمام شده و از این مقدار به بالا موجود است که بسیار پرهزینه است. عدد دقیقی ندارم، اما احتمالا تا ۱۰ برابر هزینه تجهیزات بالا برود و وقتی قیمت تجهیزات بالا برود، هر نوع از اپراتوری که باشد و بخواهد این سرویس را به مردم بدهد، بسته‌های اینترنتی را ۱۰ برابر گران‌تر حساب می‌کند. مشتریان هم از این سرویس استفاده نخواهند کرد تا تعداد استفاده‌کنندگان محدود خواهد شد. نسل قدیم این اندازه مشتاق استفاده از IT نبودند، اما وقتی نسل جدید آمد، استفاده از اینترنت افزایش یافت. من فکر می‌کنم که اگر دولت بتواند در نسل پنجم تا دوبرابر این مقدار خدمات عرضه کند، جای استفاده دارد. دو راه داریم؛ اول اینکه کیفیت خدمات پایین بیاید، چون وقتی محصولی ثابت نگه داشته شود و مصرف‌کننده بالا برود، باید محصول را نصف کنید و به طور متوسط پهنای باند کمتری در اختیار هر فرد قرار می‌گیرد. راه دوم این است که قیمت را تا حدی بالا ببرید که همه نتوانند استفاده کنند. هر دو حالت نامناسب است. هر سال به طور جهشی استفاده از اینترنت و خدمات ICT بالا می‌رود و اگر این مسئله را حل نکنیم، قطعا در چهار، پنج سال آینده به مشکل جدی می‌خوریم. اگرچه تنها مشکل ما پهنای باند نیست.

ادامه از صفحه ۸

نقش زنان در حرفه حسابداری ایران

دعوای قدیمی بر سر یک منبع ملی

بازنده انحصار فرکانس کیست؟

روهام اسماعیلی‌زاده: ماجرای باندهای ۷۰۰ و ۸۰۰، جدال برای تصاحب مالکیت بر یک منبع عمومی نیست؛ برخلاف کسانی که می‌کوشند اختلاف میان وزارت ارتباطات و سازمان صداوسیما را به ...

دیجیتالی‌شدن شبکه‌های صداوسیما به دلیل بهره فرکانسی، نیاز آن به این باندها به مرور کمتر و کمتر شده است.

در واقع، ارزشمندترین باندهای یک منبع محدود ملی، به دلیلی که ضرورت آن از میان رفته است، در سال‌هایی در اختیار یک سازمان قرار گرفته و در شرایطی که بخشی از فرکانس‌ها زیر فشار هجوم فزاینده کاربران اینترنتی با اختلال مواجه است، بخشی دیگر از آن، بی‌دلیل خالی و بدون استفاده مانده است.

در سایر کشورهای جهان، بر اساس یک الزام فنی بین‌المللی و تغییر تکنولوژی پخش آنالوگ به دیجیتال، همه شبکه‌های پخش‌کننده برنامه، به مرور از این باندها مهاجرت کرده و این باندهای فرکانسی به دلیل کم‌هزینه‌تر و پربازده‌بودن، برای ارتباطات عموم مردم استفاده شده‌اند. این باندها عمدتا به اپراتورهای تلفن همراه که فراگیرترین پوشش‌های ارتباطی را فراهم می‌کنند، واگذار شده و منافع اجتماعی و اقتصادی آن برای عموم مردم بوده است.

در نزدیک به یک دهه، تلاش زیادی شد تا همسو با تحولات جهانی که در ایران نیز در قالب دیجیتالی‌شدن شبکه‌های رادیو و تلویزیونی تعقیب شد، نیاز به بهره‌برداری انحصاری از این شبکه کمتر شود. بررسی‌های فنی و برآوردها نشان می‌دهد این میزان در ابتدای سال ۹۹ به کمتر از ۲۰ درصد رسیده است و در واقع دست‌کم ۸۰ درصد این ظرفیت ارزشمند ملی، به فوریت قابل واگذاری است و درباره همان ۲۰ درصد باقی‌مانده نیز راه‌حل‌های بسیار ساده و کم‌هزینه‌ای وجود دارد که می‌تواند بدون اختلال در پخش برنامه‌های صداوسیما، سبب آزادسازی این ظرفیت شود. پرواضح است که در این یک دهه، ظرفیت‌های ارتباطی ایران رشدی دست‌کم هزار برابر را در بیشتر شاخص‌های مهم زیرساختی در حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات تجربه کرده؛ اما نیاز مردم با سرعت بیشتری رشد کرده است و بحران‌هایی همچون کرونا، می‌تواند تعادل عرضه و تقاضا در این حوزه را مثل نیاز به ماسک‌های صورت به هم بزند.

زیرساخت‌های ارتباطی، نه‌تنها در ایران بلکه در همه جای جهان، به سرمایه‌گذاری کلانی نیاز دارد. تحریم و شرایط اقتصادی کشور، الزامات توسعه در این بخش را تحت تأثیر قرار داده است و درعین‌حال در شرایط کنونی، نیاز مردم به استفاده از خدمات ارتباطی با جان و مال و روان آنان عجین است. مادرانی که برای نگه‌داشتن فرزندان خود در خانه از بازی‌های موبایلی استفاده می‌کنند، وقت زیادی درگیر آموزش کودکان دور از مدرسه خود از طریق شبکه‌های مجازی با معلم هستند، به دلیل نگرانی درباره سلامت جان خویش و خانواده به خریدهای الکترونیکی روی آورده‌اند و درعین‌حال به‌عنوان یک کارمند دورکار موظف به پاسخ‌گویی به‌موقع به مدیر خود هستند، با هر اختلالی در اینترنت، پریشان و آزرده می‌شوند و درست همان موقع که بیش از همیشه به تسلط بر خود و مدیریت زمان نیاز دارند، قادر به تنظیم برنامه‌های خود نمی‌شوند.

پاسخ صداوسیما به این مادران و همه کسانی که شغل، تفریح، سلامت، آموزش و... آنها با ارتباطات اینترنتی گره خورده، این است که شاید در دهه‌های آینده، فناوری‌هایی به بازار بیاید که صداوسیما را به پهنای باند بیشتری نیازمند کند!

در این سال‌ها، نشست‌های متعددی با مدیران این سازمان در مجامع داخلی و بین‌المللی برگزار شده است و با وجود تعهد این سازمان برای خروج از باند ۷۰۰ و ۸۰۰، هر بار بهانه‌های غیرفنی برای نگه‌داشتن این باندها بیان شده و پاسخ نهایی این است که صداوسیما به دولت پاسخ‌گو نیست!

فرار از پاسخ‌گویی برای ضرورت استفاده از باندهای ۷۰۰ و ۸۰۰، ممانعت از حضور کارشناسان در این سازمان برای ارزیابی واقعی میزان نیاز به این باندها و بی‌اعتنایی به نیاز مردم، در واقع فرار از پاسخ‌گویی این سازمان به مردم است. فرار از پاسخ به این پرسش‌ها که مبالغ هنگفتی که این سازمان برای عبور از تکنولوژی آنالوگ به دیجیتال از صندوق ذخیره ارزی یا همان صندوق پس‌انداز ملی دریافت کرد، صرف چه چیزی به‌جز دیجیتالی‌شدن شبکه‌ها شده است؟ و درحالی‌که ۹۰ درصد شبکه‌های سازمان روی اینترنت قابل دریافت هستند، چرا برای تأمین پوشش برنامه‌های این سازمان از روش‌های کم‌هزینه‌تری استفاده نمی‌شود؟ و اگر همچنان نیاز به استفاده از این باندهاست، چرا پیشنهاد دولت برای تشکیل کمیته کارشناسی و ارزیابی واقعی این مسئله از سوی صداوسیما رد می‌شود؟

چرا سازمان صداوسیما گمان می‌کند با انقضای نیاز آن به یک منبع ملی محدود در میانه یک بحران جهانی فراگیر، نباید به نفع مردم از آن چشم بپوشد؟ اصلا چرا صداوسیما در تخصیص این حق مردم به خودشان، در شرایط کرونایی، پیش‌قدم نشد؟ صداوسیما قرار است چه چیزی در بهره‌برداری از این باندها به مردم بدهد که ارزشی بیش از حفاظت از جان و سلامتی آنان دارد؟

در تمام یک دهه گذشته، تخصیص این باندها می‌توانست ارتباطات بهتر و ارزان‌تری را برای مردم در شهر و روستا فراهم کند. ضریب نفوذ اینترنت در میان مردم و ضریب نفوذ برنامه‌های صداوسیما، مبین آن است که مردم به چه چیزی بیشتر نیاز داشتند و دارند؛ با انحصار، این معادله عوض نخواهد شد.

تافته جدا بافته نباشید

سعید معنوی: در ایران اسلامی همه قوا و نهادهای انقلابی زیر چتر بزرگ نظام برای تحقق اهداف مشترک گرد آمده‌اند و در این میان خودمختاری و خودرأیی معنا ندارد؛ بلکه همه باید هم‌گرا در مسیر مشخص‌شده برای تحقق اهداف عالی نظام و رفاه مردم گام بردارند. وقتی دنیا یک موضوع تخصصی را قبول دارد، اتحادیه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی هم آن را پذیرفته‌اند و توافق رسمی کرده‌اند، شرکت‌های فنی و مهندسی بین‌المللی نیز بر آن توافق دارند، استادان بنام مخابرات و فناوری اطلاعات هم بر آن اجماع دارند و مهم‌تر از همه مردم نیز مطالبه بهبود توسعه و کیفیت تلفن همراه را دارند، سازمان صداوسیما نباید و نمی‌تواند با بی‌اعتنایی بگوید دلم نمی‌خواهد فرکانس‌های بلااستفاده را برای توسعه شبکه موبایل در اختیار قرار بدهم. دست‌کم باید بیاید سر میز کارشناسی و بحث علمی صورت بگیرد و آنجا تکلیف مشخص شود؛ چون سرنوشت مسائل علمی و فنی در رسانه‌ها رقم نمی‌خورد.

به نظر می‌رسد صداوسیما دست‌کم باید به توافقی که نماینده‌اش (رئیس فعلی صداوسیما) در کنفرانس بین‌المللی اتحادیه جهانی مخابرات امضا کرده است، احترام بگذارد. حداقل به تجربه جهانی نزدیک به ۱۵۰ کشور گردن نهد یا دست‌کم به تجربه برخی از همسایگانمان توجه کند و روش منطقی‌تر و پذیرفتنی‌تر را برای مواجهه با مطالبه مردمی پیش بگیرد.

حقیقت آن است که چه بخواهیم و چه نخواهیم، مثل بسیاری از تجربه‌های گذشته، در این موضوع هم دیر یا زود ناچار باید با کاروان توسعه فناوری در دنیا همراه شویم و این موضوع در آینده چیزی جز تلخی در محضر مردم به یادگار نخواهد گذاشت.

نه عرف و نه شرع هرگز به ما اجازه لجاجت با مردم یا تکبر در برابر خواسته‌های آنها را نداده و آموزه‌های انقلاب اسلامی نیز بر پایه فروتنی و خدمت به مردم است. تصاحب باندهای فرکانسی مثل دریاها، جنگل‌ها و ذخایر انرژی جزء منابع ملی هستند.

وقتی بدانیم:

_ بیش از یک دهه است که رادیو و تلویزیون‌های دنیا از آنالوگ به دیجیتال ارتقا یافته و باندهای ۷۰۰ تا ۸۰۰ را در اختیار توسعه موبایل قرار داده‌اند،

_ فرکانس‌های ۷۰۰ تا ۸۰۰ از نوع موج کوتاه‌اند و قابلیت نفوذ بیشتری دارند و مشکل آنتن بسیاری از مناطق، منازل و مراکز اداری و تجاری را که فاقد آنتن هستند، حل می‌کنند،

_ ظرفیت بزرگی برای گسترش شبکه موبایل با سرعت و کیفیت بهتر فراهم می‌کنند،

_ تعداد دکل‌های ارسال فرکانس به تدریج به یک‌سوم کاهش می‌یابد و هزینه زیرساخت‌ها را به صورت معناداری کاهش می‌دهد،

_ظرفیت‌های لازم برای ورود و توسعه نسل‌های آتی تلفن همراه را ایجاد می‌کنند،

_منبع درآمد خوبی برای رادیو، تلویزیون و اپراتورها ایجاد و در پی آن در اشتغال‌زایی مؤثرند،

آنگاه این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که دلیل اصلی این مقاومت در برابر مردمی که مطالبه توسعه زیرساخت‌ها و خدمات موبایل را دارند، چیست؟ ما مدافع مردمیم یا مدافع منافع سازمانی خودمان؟ برادران گران‌قدر به‌جای مقابله و توجیه موضوعی که درستی آن قطعیت دارد و دنیا آن را آزموده، بیایید سر میز کارشناسی؛ بیایید تا گره از کار مردم باز کنیم.